

واکاوی مؤلفه‌های معنویت اسلامی در خانواده متعالی؛ مبتنی بر اذکار سه‌گانه تسبیحات

حضرت زهرا(س)*

خدیجه ضیایی^۱، سید محمود حسینی کاویانی^۲، طاهره ماهرزاده^۳

چکیده

مؤلفه‌های معنویت اسلامی پایدارترین عناصر دین، پاسخگوی نیازهای اساسی انسان و زمینه‌ساز دستیابی وی به مقام قرب الهی است. این مؤلفه‌ها در سه حیطه بینشی، گرایشی و کنشی در اذکار تسبیحات حضرت زهرا (س) تجلی یافته است؛ بانوی نمونه‌ای که مصداق اتم و اکمل انسان معنوی و مظهر قابلیت و فاعلیت خداوندی است. پژوهش حاضر باهدف تحلیل چگونگی انطباق مؤلفه‌های معنویت اسلامی در خانواده متعالی مبتنی بر اذکار سه‌گانه تسبیحات حضرت زهرا (س) در سه حیطه بینشی، گرایشی و کنشی به‌روش تحلیلی- اسنادی انجام شد. یافته‌های نشان داد در «مؤلفه معنوی بینشی» و با توجه به ذکر «الله اکبر» و موضوع خداآوری، ذات الهی مستجمع جمیع کمالاتی است که همه از درک آن عاجزند. همچنین در «مؤلفه معنوی گرایشی» و با نظر به ذکر «الحمد لله» و موضوع محبت الهی، همگان خود را نسبت به شکر الهی و جبران نعم الهی عاجز می‌یابند و در گام پایانی و در «مؤلفه معنوی کنشی» و با عنایت به ذکر «سبحان الله» و موضوع عبودیت، همه انسان‌ها با اعتراف به فقر خود و در قالب دعا، اظهار تعلق ذاتی خود به خداوند را ابراز کرده و با تکیه بر قدرت نامحدود الهی، مشکلات را وسیله رشد خود قلمداد می‌کنند. نتایج کلان پژوهش نشان می‌دهد، راز جهانی بودن حضرت فاطمه(س) به مثابه بانویی موفق و داشتن خانواده‌ای متعالی، در عمق معنویت و ویژگی‌های روحانی ایشان نهفته است.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۶/۲۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰

۱. دانش‌پژوه دکتری تفسیر تطبیقی، گروه علوم قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email:kziaii@yahoo.com

ORCID: 0000-0001-6393-241X

۲. استادیار گروه فلسفه و عرفان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email:mahmoud.kaviani@gmail.com

ORCID: 0009-0000-3635-4861

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email:mahrozadeh@gmail.com

ORCID: 0000-0002-2140-0885

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری خانم خدیجه ضیایی است که با حمایت مادی و معنوی مجتمع آموزش عالی بنت الهدی تهیه شده

است.

واژگان کلیدی: معنویت اسلامی، تسبیح، تحمید، تکبیر، تسبیحات حضرت زهرا(س)،
مؤلفه‌های خانواده متعالی.

پژوهش‌های
دانشیار
دانشگاه

۱. مقدمه

در آموزه‌های اسلام، انسان اساسی‌ترین موضوع آفرینش و هدف ارسال رسل و انزال کتب برای رسیدن به سعادت است. از طرفی «معنویت» نیز که امری ذاتی انسان است، بر ابعاد وجودی و زندگی دنیوی وی مؤثر است. به عنوان نمونه زهرا (س) نمونه‌ای اعلای معنویت اسلامی و در کنار آن ایفاگر نقش دختر پیامبر (ص)، همسر علی (ع) و مادر امامان معصوم (ع) است و این امر، نشان می‌دهد که زن مسلمان، هم توانایی سیر در مسیر قرب الهی و دست یابی به بالاترین درجات معنوی را داراست؛ هم معنویت او بر انجام دادن صحیح نقش‌های مهم وی در خانواده سایه افکنده است. در این راستا سرچشمه‌های ایجاد معنویت اسلامی یعنی قرآن و اهل بیت (ع)، مهم‌ترین نیاز انسان را برقراری ارتباط با خداوند و پذیرش توحید ذاتی، صفاتی و افعالی می‌داند. در این میان، یکی از راه‌های پاسخ به این نیاز، اهتمام مداوم به اذکار در تسیحات حضرت زهرا (س) است.

۱-۱. مبانی نظری تحقیق

در این نوشتار «مؤلفه» از ریشه «ألف» ، اسم فاعل و از مصدر «تألیف»؛ به معنای انس و عادت کردن به چیزی، همچنین جمع کردن چیزی پس از تفرقه است. «ألفْتُ» به معنای ایجاد رابطه و نزدیکی و «تألیف» به معنای گرد هم آوردن اجزای چیزی است. (ابن درید، ۱۹۹۸م، ۲/۱۰۹۱) نیز مؤلفه از ریشه «ألف» به معنای یکی کردن و ترکیب دو یا چند چیز ، به هم پیوستن و چیزی را شکل دادن، آشتی دادن دو چیز به کار می‌رود. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۹/۱۱)

با نظر به آیه قرآن که می‌فرماید: «وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال: ۶۳) و با دقت در معنای لغوی، تعریف اصطلاحی مؤلفه عبارت‌اند از عناصر یا اجزای تشکیل‌دهنده یک کل که بدون آن، کل تشکیل نمی‌شود. ارتباط میان عناصر یا اجزای تشکیل‌دهنده بگونه‌ای است که هریک از آنان با یکدیگر مرتبط و در راستای هدف واحد در حرکتند. در این نوشته مقصود از مؤلفه اجزای تشکیل‌دهنده و مقوم معنویت اسلامی می‌باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۹/۱۱)

هم چنین واژه «معنویت» از ریشه «عنی» مصدر جعلی به معنای قصد و اراده و «معنی» به آنچه قصد شده اطلاق می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ه.ق، ۴/۱۴۹) و معنی کلمه یعنی مدلول و مضمون آن و معنای کلام و معنای شعر، یعنی آنچه از آنچه در بیان موجود است، پدید می‌آید. (ابن فارس، ۱۴۰۴ه.ق، ۴/۱۴۹) در تعریف اصطلاحی «معنویت»، اولاً باید در نظر داشت، حقیقت معنویت ترکیبی از مباحث «اخلاق»، «کلام و اعتقادات» و یا «عرفان» است؛ ثانیاً این واژه در طول تاریخ کاربردهای مختلف داشته است. (میرزاخانی، ۱۳۹۱، ص ۴۰) تعریف معنویت در این نوشتار ارتباط حقیقی خدا و انسان است که روح انسان بر اثر درک، باور و اعمال متناسب باهدف آفرینش و نظام معیار الهی، رابطه‌ای وجودی و اختیاری باخدای متعال برقرار و دائماً آن را تشدید می‌کند و درنهایت مراتب کمال را در همه جنبه‌های وجودی خود تقویت می‌سازد. این ارتباط، همان «تقرب الی الله» که دارای مراتب و درجات است.

معنویت اسلامی عالم باطن و حقیقی جهان مادی است که بهترین واژه نزدیک به آن «حیات طیبه و نور الهی» است: (الهامی نیا و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۱) «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ (نحل: ۹۷) یعنی داشتن حالات نورانی و ملکوتی که در اثر پذیرفتن حقیقت عبودیت، پذیرش ربوبیت و الوهیت و نیز عمل به دستورهای خداوند و دوری از رذایل در انسان ایجاد و نتیجه آن ارتباط معنوی، ابراز فقر و وابستگی نسبت به خدا و یاری جستن از درگاه الهی است.

حضرت زهرا (س) به عنوان نمونه کامل زن مسلمان، معنویت اسلامی را در بالاترین سطح خود داراست که تأثیر آن بر ابعاد مختلف زندگی وی به‌ویژه در مسائل مربوط به نقش وی خانواده مورد توجه است؛ به عنوان نمونه ایشان فضای زندگی خانوادگی خود را بر اساس معنای عبودیت و خدمت به خداوند چنان ترسیم نموده که سبک زندگی ایشان سراسر ساده‌زیستی و قناعت است و این نشان‌دهنده بی‌نیازی از دنیا و اتصال عمیق به خداست که منجر به بهترین مربی برای پرورش فرزندان چون حسنین (ع) و فداکارترین همسر برای امیرالمؤمنین

(ع) است. این‌ها نشان می‌دهد که ایشان نه تنها در مقام یک زن، بلکه به عنوان یک انسان کامل، معنویت اسلامی را به عالی‌ترین شکل در زندگی خانوادگی خود جاری ساخته و الگویی جاودانه برای همگانند.

و نیز واژه تسبیح از ریشه «سبح» دارای دو معناست: نوعی عبادت و نوعی تلاش و کوشش. «السُّبْحَةُ» به معنای نماز می‌باشد و «تسبیح» به معنای منزّه ساختن خداوند از هر گونه نقص است. عرب‌ها می‌گویند: «سَبَّحَانَ مِنْ كَذَا»، یعنی چه قدر دور است از این (نقص). در صفات خداوند «سُبُّوح» آمده یعنی خداوند از هر چیزی که شایسته او نیست، منزّه است. «السُّبُّحات» نیز اشاره به جلال و عظمت خداوند عزوجل دارد. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۳/۱۲۵)

در اصطلاح تسبیح اظهار برترین مراتب تعظیم و حق تعالی را بی عیب و پاک دانستن است و اعتقاد به این که خداوند دارای صفات نقص نیست، می‌باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۸/۱۳)

تسبیحات حضرت زهرا (س) شامل ۳۴ مرتبه ذکر الله اکبر، ۳۳ مرتبه ذکر الحمد لله و ۳۳ مرتبه ذکر سبحان الله، هدیه پیامبر (ص) به فاطمه (س) است. در برخی روایات بهترین زمان برای ذکر این تسبیحات بعد از نمازهای واجب ذکر شده که گویای ارتباط این دو عبادت باهم است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳/۳۴۲) نماز به معنای تسبیح (اعلی: ۱؛ صفات: ۱۴۳؛ نصر: ۳) اوج قداست و توجه بنده به خداوند، تجدید عهد بندگی و عالی‌ترین نوع اظهار تسلیم و سرسپردگی در برابر قادر متعال است که با تکبیر، تحمید، تسبیح و تقرب الی الله همراه است؛ (حسینی دشتی، ۱۳۸۵، ص ۸۱۰) قیام نشانه عبودیت؛ رکوع، بیانگر شرمساری و خضوع، و سجده اوج ذلت و فروتنی در برابر خالق یکتاست. در لحظه‌ای که بنده در برابر خطاب الهی قرار می‌گیرد، از سنگینی مسئولیت خویش، توان ایستادن ندارد و با نهایت تواضع به نشستن می‌گراید. او در حالی که از یاری دیگران ناامید شده، دستان خود را به سوی پروردگار بلند می‌کند و با التماس و اعتراف، فقر و نیاز خود را به درگاه الهی عرضه می‌دارد. این حالت عبودی و خالصانه، نمایانگر اوج ارتباط معنوی انسان با خداوند و اساس معنویت اسلامی است که در اعمال عبادی به زیباترین شکل جلوه‌گر می‌شود. (شفیعی، ۱۳۸۸، صص ۱۲۳-۱۲۵) اعترافات حضرت زهرا (س) بعد از نماز و در قالب ذکر تسبیحات تجلی زیبایی دارد و سیر و سلوک معنوی نماز و تسبیحات از صعود به نزول است. اما عطای چنین هدیه ای از سوی پیامبر (ص) به دختر گرامی شان مطلبی است که در ادامه بدان اشاره می‌نماییم.

۱-۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر با مراجعه به متون و منابع غنی اسلامی و با تطبیق و تحلیل مطالب گرد آمده از این منابع، به دنبال «واکاوی مؤلفه‌های معنویت اسلامی در خانواده متعالی مبتنی بر اذکار سه گانه در تسبیحات حضرت زهرا (س)» است تا ضمن اشاره به مقام معنوی فاطمه (س) و نقش الگویی وی که منجر به اعطای چنین هدیه ارزشمندی از سوی پیامبر (ص) شده، به کشف اسرار این هدیه در سه حیطه بینشی، گرایشی و کنشی معنویت اسلامی پرداخته و در نقش‌های خود در خانواده به کار بندد.

۱-۳. پیشینه تحقیق

گفتنی است همان گونه که ژرفکاوای اندیشه‌های معرفتی حکیمان متأله و لطافت اندیشی‌های عارفان نامدار مسلمان مرهون آیات و آموزه‌های اهل بیت (ع) است؛ در رابطه با موضوع «مؤلفه‌های معنویت اسلامی» و «اذکار تسبیحات حضرت زهرا (س)» نیز اندیشمندان مسلمان با بهره‌گیری از آیات و روایات آثار غنی به رشته تحریر درآورده‌اند؛

- کتاب «اسفار اربعه یا سفرهای چهارگانه» از صدرالدین شیرازی که گویای مراحل عملی برای رسیدن به خداست.

- موسوعه سه جلدی «تسبیحات کوثر» نوشته سید ابراهیم موسوی مبنی بر تحقیق جامعی پیرامون ذکر تسبیحات حضرت زهرا (س)

در قالب فصولی چون مقام مطلق تسبیح خدا، مبدأ تشریع صدیقه کبری و مواقف معینه و مواضع ورود ذکر تسبیحات از آن جمله‌اند.

در آثار مربوط، جای ارتباط و تطبیق سازی دو مقوله «مؤلفه‌های معنویت اسلامی» و «تسبیحات حضرت زهرا(س)» خالی است؛ از این رو پژوهش حاضر، ضمن واکاوی مؤلفه‌های معنویت اسلامی در خانواده متعالی با اذکار تسبیحات حضرت زهرا(س)، به پرده برداری از اسرار اذکار دست یافته تا پیروان آن بانوی بزرگوار ضمن شناخت نیازها و نواقص خود در برابر خداوند و طی مسیر سلوکی، بر نقش زن معنویت‌گرا در انجام هرچه بهتر مسئولیت‌ها و داشتن خانواده متعالی نائل آید. در این صورت است که خانواده از بحران اخلاق و آداب انسانی نجات یافته و مقدمات پذیرش عبودیت و ربوبیت محض فراهم می‌گردد.

۲. مقام معنوی حضرت زهرا(س) الگوی زن مسلمان

پیامبر(ص) به نقش الگویی شخصیت معنوی و سبک زندگی عبادی حضرت زهرا(س) آگاه بود؛ از این رو به وی عبادت عاشقانه و ذکر لسانی و قلبی هدیه می‌بخشد که او را در مسیر توحید و عبودیت پیش برد؛ تسبیحات حضرت زهرا(س) بیانگر سطح بالای تقوای الهی و درک قابل توجهی از ذات خداوند و منطبق بر شخصیت معنوی، انسانی و الهی اوست.

همچنین اعطای تسبیحات حاکی از مقام ویژه ایشان میان اهل بیت (ع) و آشکار سازی نقش محوری زن در ترویج، حفظ و انتقال ارزش‌ها و معارف اسلامی - معنوی به نسل‌های آینده است و از آنجا که تسبیحات حلقه اتصال میان وی با مؤمنان به‌ویژه زنان تلقی می‌گردد، ابزاری مهم برای تقویت ایمان زنان مسلمان، تلاش در داشتن زندگی سرشار از معنویت و رسیدن به رشد فردی و اجتماعی محسوب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که درک و فهم اسرار ذکر تسبیحات، نه تنها ارتباط شخصی انسان با خداوند را مستحکم می‌سازد، بلکه وی در هر شرایطی با اعتماد به خدا و توجه دائم به صفات الهی، مسئولیت خطیر خود در خانواده مانند تربیت همه جانبه فرزندان، مواجهه با چالش‌ها و مصائب زندگی، برقراری ارتباط سالم و... را با موفقیت به سرانجام می‌رساند.

بنابراین ارتباط شخصیت معنوی حضرت زهرا(س) با تسبیحات به نوعی بر ارتباط معنوی انسان با خداوند اشاره دارد و وی را الگویی برای تمام مؤمنان به ویژه زنان معرفی می‌کند.

در ادامه به واکاوی و تطبیق سازی مؤلفه‌های معنویت اسلامی بر اذکار تسبیحات دخت گرامی پیامبر(ص) می‌پردازیم.

۳. واکاوی مؤلفه معنوی بینشی خدااباوری در ذکر الله اکبر

خدااباوری پذیرش وجود ذاتی متعالی و عالی‌ترین صفات را مختص خدا دانستن است که براهین عقلی چون برهان امکان و وجوب و آیات الهی (توحید: ۴؛ فاطر: ۱۵ و ...) بدان اشاره دارند. فاطمه(س) خدااباوری را با نگاه عرفانی و به روش‌های فلسفی و شهودی در خطبه فدکیه چنین متجلی می‌سازد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ وَ الشَّاءُ بِمَا قَدَّمَ ... وَ تَقَاوَتْ عَنِ الْإِذْرَاكِ أَبْدُهَا، وَ نَذَبَهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا وَ اسْتَحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِجْزَالِهَا، وَ ثَنَّى بِالنَّدْبِ إِلَى أَمْثَالِهَا. وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةً جَعَلَ الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا، وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا، وَ أَنْارَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولَهَا، الْمُمْتَنِعَ عَنِ الْأَبْصَارِ رُؤْيَاهُ، وَ مِنَ الْأَلْسُنِ صِفَتَهُ، وَ مِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتَهُ. ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا ...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴۳/۱۰) ژرفای بینش فاطمه زهرا(س) که خاستگاه آن آیات نور بخش الهی است، مسئله توحید ذات پروردگار می‌داند، هر چند این شناخت را در محدوده توانایی هیچ یک از انسان‌ها ندانسته: «وَ تَقَاوَتْ عَنِ الْإِذْرَاكِ أَبْدُهَا» و فقط شناخت اسماء الهی را از طریق کشف و شهود عرفانی و برهانی مطرح نموده: «وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا، وَ أَنْارَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولَهَا» پس از آن شهود و رؤیت با چشم سر را نیز رد نموده: «الْمُمْتَنِعَ عَنِ الْأَبْصَارِ رُؤْيَاهُ» و سپس در جریان خلقت جهان هستی، موضوع بدیع بودن را به زیبایی ذکر نموده: «ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ ... اِمْتَثَلَهَا». علامه جوادی آملی خلقت اشیاء را نه «من شیء» دانسته که ازلیت ماده لازم آید و نه «من لا شیء» تا مستلزم خلق از «عدم» بوجود آید، بلکه «لا من شیء» را فرض صحیح به حساب آورده؛ زیرا دیگر لزوم ارتفاع نقیضین به میان نمی‌آید، به این معنا که «خلق من شیء»، نقض کننده «خلق من لا شیء»

نیست؛ بلکه نقیض «لم یخلق من شیء» می باشد؛ یعنی پروردگار، ممکنات را نه از «چیزی» و نه از «عدمی» خلق نموده؛ پس اصل عالم هستی و امکان نوظهور می باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ۲/ ۳۸۴-۳۸۵) پس از توجه به جوانب وجودی و صفات احسن پروردگار که معدن رفع نیازهاست؛ ارتباط روحی و روانی با خدا در انسان تقویت می شود و انسان می داند «ماسوی الله» همگی معلول، مخلوق و نیازمند خداوندند. (فاطر: ۱۵). توجه به بینش عمیق حضرت زهرا (س) نسبت به خداوند، زنان مسلمان را بر آن می دارد که به مسئولیت های خطیر و مهم خود در خانواده بگونه ای بنگرند که گویی خداوند را عبادت می کنند و او را ناظر و پاداش دهنده اعمال خود می پندارند و از این راه توازن و اتحاد میان زندگی دنیوی و اخروی و جسم و روح خود برقرار ساخته و از خانواده به عنوان یک نهاد مقدس، مفهوم و مدلی نوین مبتنی بر همراهی بعد روحانی و جسمانی به جهانیان ارائه می دهند و زمینه ساز تربیت همه جانبه نسل هایی گردند که ریشه آن به خداواری باز می گردد.

۱-۳. اعترافات بینشی خداواری در ذکر الله اکبر

در مطالب گذشته گفته شد، خداواری یعنی اوج توحید که در کلام حضرت زهرا (س) متجلی است: «إِلَهِي أَنْتَ الْمُنَى وَ فَوْقَ الْمُنَى». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷/ص ۱۳۹) چنین نگاه توحیدی خالی از نفسانیت، ضمن دستیابی به توحید ذات، صفات و افعال الهی اعترافاتی به همراه دارد که در این قسمت ضمن بیان معنای «الله اکبر» بدان اشاره می کنیم.

۲-۳. معناشناسی الله اکبر

واژه «الله اکبر» متشکل از «الله» و «اکبر» است که به اعترافات خداواریانه معنویت گرایان اشارات درخور توجهی دارد.

۱-۲-۳. الله

خدای سبحان، تنها ذات مستجمع جمیع کمالات است. «الله» در قرآن، به ذات یگانه ای اشاره دارد که مستجمع جمیع کمالات است؛ لذا تنها ذات خداوند همه کمالات را داراست و قرآن با نسبت دادن اسماء و صفات به خداوند، تمام کمالات را برای او ثابت می کند: «قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى...». (اسراء: ۱۱۰) در این آیه، دو علامت حصر موجود است: ۱. کلمه «الْأَسْمَاءُ» که اصطلاحاً جمع محلی به «ال» است و مشمول تمام اسماء است؛ ۲. مقدم شدن خبر: لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى نه الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى لَهُ. به طور کل معنای دو حصر یعنی نام های نیکو فقط برای خداست و هیچ کس در این کمالات سهم استقلال و اصالتی ندارد؛ چراکه ظاهر آیاتی که برخی کمالات را در انحصار خدا می داند، مؤید این معناست: «فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً». (نساء: ۱۳۹) (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ۳/ ۱۴۳)

همچنین لغویون و مفسران متفق القول اند که «الله» اسم عَلَم برای ذات مقدس خداوند و اگر علم نباشد نمی توان لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ را کلمه توحید دانست و همچنین «الله» اسم ذات واجب الوجودی است که بالذات مستجمع جمیع صفات کمالیه است.

۲-۲-۳. اکبر

صفت اکبر بیان کننده عجز و ناتوانی انسان از درک و شناخت ذات پروردگار است. منظور قرآن از «هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ» (سبا: ۲۳) بلندمرتبه بودن خداوند به لحاظ معنوی است؛ یعنی انسان معنوی، منظور از بزرگی خداوند را چنین باور نموده علاوه بر این که هیچ اندیشه ای نمی تواند تعریف کامل و رسایی از الله داشته باشد، هیچ فکر و زبانی نمی تواند او را وصف کند، زیرا توصیف در جایی است که بتوان آن چیز را در ذهن خویش ترسیم و عقل و اندیشه انسان قادر به درک آن باشد. پیامبر (ص) فرمودند: «اما قوله "الله اكبر" ... اِنَّه لیس شیءٌ اكبر منه؛ الله اكبر... همانا هیچ چیز بزرگتر از او نیست» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق ۹/ ۲۹۴).

در اثر چنین شناختی بنده خود را محو در صفات جمال و جلال پروردگاری بیند و به نهایت ناتوانی اش در وصف خداوند به درگاه الهی بارها اقرار می کند؛ لذا وی نه تنها به یگانگی خدا در ذات و صفات و افعال اعتقاد دارد، بلکه ملکات نفسانی و تمام فعالیت های

زندگیش توحیدی می‌گردد و تمام قابلیت‌ها، موفقیت‌ها و شکست‌هایش را به افاضه قدرت، ربوبیت و مالکیت خداوند می‌داند. (خسرو پناه، ۱۳۹۰، ص ۱۳۵) این باور زمانی که از مرحله علم عبور کرده و با ایمان و روح او عجین گردد، آثاری به دنبال خواهد داشت از جمله آرامش قلبی، (رعد: ۲۸) دریافت برکات الهی، (اعراف: ۹۶) ناظر بودن خداوند بر اعمالش و... (مجادله: ۷)

با نظر به آنچه گفتیم، مهم‌ترین نیاز انسان، داشتن وجودی است که در هر شرایطی به او اعتماد کرده و توکلش به او باشد. باور به عظمت و یگانگی ذات خدایی که اتم و اکمل کمالات است از یک‌سو و غنی مطلق بودن او از سوی دیگر اقتضا می‌کند، بپذیریم که خداوند جز صلاح بنده‌اش را نخواهد و درصدد خسران بنده خویش نباشد. پس در صورتی که آدمی به او اعتماد و توکل نماید، با چیزی جز خیر و صلاح روبه‌رو نمی‌شود: (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۲/۳۳) «وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْنَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ». (ابراهیم: ۱۲)

همچنین این باور تأثیری شگرف بر جنبه‌های مختلف زندگی انسان، به‌ویژه در مباحث مربوط به جایگاه زن و خانواده و بستری استوار برای شکل‌گیری و پایداری خانواده سالم، متعادل و مبتنی بر ارزش‌های الهی فراهم می‌سازد؛ یکی از مهم‌ترین و بارزترین تأثیرات این باور در حوزه خانواده، ایجاد فضایی آکنده از آرامش و امنیت است. ایمان به ناظر بودن خداوند بر همه امور و تدبیر حکیمانه او در تمامی جوانب زندگی، آرامشی عمیق و اطمینانی راسخ در قلب اعضای خانواده، به‌ویژه برای زن به عنوان رکن اصلی خانواده، ایجاد می‌کند. این آرامش، به طور چشمگیری از اضطراب‌ها، نگرانی‌های ناشی از مشکلات و چالش‌های روزمره زندگی می‌کاهد و فضایی سرشار از امنیت و اطمینان خاطر را در محیط خانواده حاکم می‌سازد: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»، (رعد: ۲۸) بطوری که آن‌ها به جای تسلیم شدن در برابر مشکلات و ناامیدی، به رحمت و گشایش الهی امیدوار می‌مانند و با توکل بر او، از سختی‌ها عبور می‌کنند و درس‌های ارزشمندی از آن‌ها می‌آموزند.

به‌علاوه این باور در روابط خانوادگی بر پایه احترام متقابل و عدالت نیز تأثیرگذار است؛ بگونه‌ای که درک عظمت پروردگار، اعضای خانواده را به تواضع و فروتنی در برابر یکدیگر، شکل‌گیری روابط صمیمانه و مبتنی بر احترام متقابل، رعایت حقوق یکدیگر و تقسیم عادلانه مسئولیت‌ها می‌گردد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ». (نحل: ۹۰)

از سوی دیگر، این باور، نگرش به نقش زن در خانواده را نیز متحول می‌سازد؛ یعنی هرگونه تبعیض جنسیتی و نگاه از بالا به پایین را نفی می‌کند و به نقش زن در خانواده به عنوان یک انسان کامل، دارای حقوق و کرامت برابر با مرد، ارزش و اهمیت ویژه‌ای می‌بخشد: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ...». (احزاب: ۳۰) این نگرش، منجر به تقسیم عادلانه مسئولیت‌ها در خانواده و مشارکت فعال و مؤثر زن در تصمیم‌گیری‌ها و امور مربوط به خانواده می‌شود.

به طور کلی، باور به بزرگی خداوند نه صرفاً یک ذکر زبانی، بلکه یک باور قلبی و عملی است که تأثیرات عمیق و پایداری بر ساختار، پویایی و روابط حاکم بر خانواده دارد. این باور، فضایی آکنده از معنویت، آرامش، عدالت، محبت و همدلی را در خانواده ایجاد می‌کند و بنیان آن را در برابر چالش‌ها و ناملایمات زندگی مستحکم و پایدار می‌سازد.

۴. واکاوی مؤلفه معنوی گرایش محبت الهی در ذکر «الحمد لله»

معنویت اسلامی بر ارتباط حبی انسان با پروردگار عالم نیز استوار است: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ». (بقره: ۱۶۵) در ارتباط این مؤلفه با مؤلفه قبل ابتدا به تعریف محبت می‌پردازیم و سپس ارتباط این دو مؤلفه را بیان می‌نماییم.

محبت یعنی ادراک چیزی که باوجود شخص ملایمت و با خواسته‌های او مناسبتی داشته و از ادراک آن، لذت حاصل می‌شود و آن چیز را یقیناً یا احتمالاً خیر پنداشته و حصول کمالی را جستجو می‌کند. (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۴) بر این اساس لذت و بهجت هر قوه‌ای از قوای نفس، مترتب بر ادراک و معرفت است و تا نفس از چیزی آگاهی نیابد، لذت از آن حاصل نمی‌شود. این دیدگاه هر یک از قوای آدمی را دارای بهجت و لذت مخصوص به خود می‌داند؛ لذا کمال قوه قدسیه عقل، حق است. بخصوص حق بالذات؛ زیرا برای عقل مشاهده حق در نظام احسن که بهتر از آن تصور شدنی نیست، بهترین لذت است. به‌ویژه توجه او به جناب حق بالذات که حسن مطلق و لقایش غایت آمال مشتاقین و وصالش نهایت همت سالکین است؛ و هر یک از این کمالات معشوق و محبوب، قوه ای است که ادراکش می‌کند. (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۴-۱۱۵) بنابراین محبت تابع ادراک و معرفت است که البته هر ادراک و معرفتی موجب محبت نیست، بلکه ملاک محبت ادراک کمال محبوب است و آنجا که کمال محبوب کامل و ادراک و مدرک شدید باشد، نور محبت شدید خواهد گردید. (فیض کاشانی، ۱۴۲۸ ق، ۱۷/۸)

در رابطه باکیفیت ارتباط نیز این دو لازم و ملزوم یکدیگر ولی در حین همراه بودن، ملزوم اصل و اساس و لازم فرع و نتیجه آن شناخته می‌شود. شیخ نجم الدین می‌گوید: «و جناحا المعرفة و المحبة لا یثبتان معا بل جناح المعرفة یسبق جناح المحبة الا انها ملازمة لها كالظل للشیء یشارکه فی الزیادة و النقصان؛ جناح‌های معرفت و محبت هر دو به طور همزمان ثابت نمی‌مانند، بلکه جناح معرفت بر جناح محبت پیشی می‌گیرد، اما محبت به طور همراه و ملازم با معرفت است مانند سایه‌ای که همراه با شیء حرکت می‌کند و در افزایش و کاهش آن شریک است.....». (کبری، ۱۳۶۸، ص ۴۷) این رابطه تنها در مراتب پایین معرفت و محبت حکم‌فرماست، در مراتب بالاتر که نفس از بند کثرات رها می‌شود و معرفت کامل می‌گردد، بین این دو رابطه تلازم است نه ملازمه؛ یعنی وقتی معرفت تأکید شد، محبت به بار می‌آورد و وقتی محبت تأکید شد، اوصاف معشوق بر عاشق تجلی می‌کند و این تجلی به دوام محبت و محبت به دوام تجلی ادامه می‌یابد. (الانصاری، ۱۳۷۹، ص ۲۳) در ادامه معنای ذکر دوم تسبیحات را از نظر می‌گذرانیم.

۱-۴. معناسازی الحمد لله

«الحمد لله» یعنی حمدها برای خداست و محمود حقیقی تنها اوست. «الف و لام» در «الحمد» برای استغراق یا جنس است؛ یعنی خداوند حمید محض و محمود صرف است؛ (خوبی، ۱۳۹۲، ص ۴۵۳) علامه طباطبایی ستایش را در برابر بخشش کمال و جمال و در انحصار خدا و خدا را یگانه محمود و حامد می‌داند. وی «الف و لام» در الحمد لله را، استغراق و عمومیت می‌داند که ممکن است «لام» جنس باشد و هرکدام باشد معنایش یکی است؛ زیرا خداوند در اسماء و افعال سزاوار ستایش و هیچ حامدی سر نمی‌زند مگر آن‌که در حقیقت، حمد خداست، زیرا جمیلی که ستایش حامد متوجه آن است، فعل خداست: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱ و ۲/۴۶)

همچنین «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» بر اثبات و اختصاص حمد برای خدای سبحان این است که «اللَّهُ» جامع همه کمالات وجودی و چون حمد در برابر کمال و هر کاملی محمود است، پس خدای سبحان محمود است. نیز خدا رب همه عالم و هیچ شریکی در ربوبیت ندارد و چون حمد در برابر نعمت ربوبیت است، پس حمد مخصوص ذات اقدس اوست. (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ۱/۳۳۴) با نظر به اینکه حمد از هر که و برای هر چه باشد، در نهایت به خدای متعال بازمی‌گردد، اعترافات عاشقانه برخاسته از این ذکر را از نظر می‌گذرانیم.

۲-۴. اعترافات عاشقانه در ذکر الحمد لله

بسیاری اوقات نعمات الهی در غباری از غفلت فراموش شده و نوعی ناسپاسی نسبت به خداوند در انسان شکل می‌گیرد: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ»؛ (عادیات: ۶) پس برای جبران این ناسپاسی و دستیابی به معرفت و تقویت محبت الهی، یکی از راه‌ها، یادآوری نعمت‌ها و

تقویت روحیه شکرگزاری است که هدف اصلی بعثت انبیای الهی همین بوده: «...فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ». (اعراف: ۷۴) یادآوری نعمت گاهی در قالب دعا که با حمد الهی آغاز می‌شود، متجلی است؛ یعنی انسان خود را در فقر دیده و خدا را غنی ببیند تا حمد و ثناء مقدمه باز شدن لسان انسان به دعا و اعتراف گردد.

۴-۲-۱. اعتراف به ناتوانی از شکر نعمت‌های الهی و جبران ناپذیری نعم الهی

در آیه «وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصَوْهَا إِنَّ اللَّهَ لَعَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ (نحل: ۱۸) با توجه به عبارت «إِنَّ اللَّهَ لَعَفُورٌ رَحِيمٌ»، همین قدر انسان بداند که غرق نعمت است و از ادای حق شکرش عاجز، نهایت شکر را ادا نموده است. اما این به این معنا نیست که ما به مقدار توانایی به احصای نعمت‌ها نپردازیم؛ چراکه این امر موجب ارتقای درجه معرفت و جهان‌بینی توحیدی، عمیق شدن عشق خدا در دل‌ها و حس شکرگزاری می‌گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ۱۱/ ۳۱۷) حضرت زهرا (س) با حمد و ستایش خداوند در آغاز خطبه فدکیه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ...». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۳/ ۱۰) به اعترافاتی اشاره دارد: «مِنْ عُمُومِ نِعَمٍ ابْتَدَأَهَا ... الإِذْرَاكَ أَبَدَهَا»؛ که گاه کسی ناتوانی انسان در شمارش نعمت‌های الهی را انکار نمی‌کند؛ گاه انسان به اجمال به این حقیقت اعتراف می‌کند و گاه وارد میدان تجربه و آزمون شده، از نزدیک ناتوانی خود را درک و از سر آگاهی به این حقیقت اعتراف می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ۱۱/ ۱۳۸) این نحوه اعترافات باهم متفاوت‌اند. آفرینش انسان به گونه‌ای است که تصورات وی هنگامی در عمل یا احساس روانی او تأثیر بیشتری دارد که جزئیات آن‌ها را درک و تصور کند. به جا آوردن شکر خدا، ناشی از یک نوع احساس است. نخست انسان احساس می‌کند که بدهکار است و می‌خواهد به نحوی خدمت انجام گرفته برای او را جبران، یا دست‌کم با زبان و گفتار از او تشکر کند. این احساس زمانی است که جزئیات نعمت‌های الهی را درک کند. پس تفکر و تأمل درباره نعمت‌های الهی و درک جزئیات آن‌ها موجب می‌شود انسان خود را در برابر معطی بسیار بدهکارتر ببیند تا عظمت منعم خویش را درک و شرمسار این همه جود و کرم او باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ۱۱/ ۱۳۸-۱۴۱) در تبیین نقش زن در خانواده با الگوگیری از حضرت فاطمه (س) از هرآنچه در رابطه با شکرگزاری نعمت‌های الهی بیان شد، می‌توان چنین بهره گرفت، در خانواده نیز زن با درک و شناسایی جزئیات دقیق ویژگی‌های شخصیتی مثبت هریک از اعضای خانواده، آنان را موهبت و نعمت الهی از سوی خدا بداند و در رابطه با رفع ویژگی‌های منفی آنان، به شکل مؤثرتری وارد عمل شده و به توفیقاتی دست یابد که در هر صورت حس شکرگزاری از خداوند در وی ایجاد می‌گردد. همچنین زن به‌ویژه در نقش مادری، با محبت و فداکاری‌های خود، اعضای خانواده را به سمت نهادینه سازی احساس بدهکاری و شکر نسبت به منعم حقیقی و افرادی که خدمتی به او روا داشته اند، سوق می‌دهد. فرهنگ سازی روحیه شکرگزاری در میان اعضای خانواده، احترام متقابل و حس فداکاری هر یک از اعضای خانواده نسبت به هم را به ارمغان می‌آورد که سلامت و پایداری خانواده را موجب می‌گردد.

۴-۲-۲. اعتراف به تصور ناپذیری نعم الهی

سرور زنان عالم (س) در توصیف نعمت‌های ابدی خداوند می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ فِيهِ مِنَ النِّعْمَةِ الْمُدَّةِ وَالْخُلُو؛ آنچه که از نعمت‌های جاودان و ابدی برای شما در آن وجود دارد...». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۳/ ۱۰) تفضلات الهی منحصر به نعمت‌های محدود دنیا نیست و خدا نعمت‌های ابدی را برای انسان آماده نموده است؛ به عبارتی، هرگاه بخواهیم نامتناهی را تصور کنیم، نخست مفهوم متناهی را به تصور درآورده، سپس یکی از حروف نفی را نیز به ذهن می‌آوریم و در کنار مفهوم متناهی قرار می‌دهیم و با این کار، گمان می‌کنیم مفهوم نامتناهی را تصور کرده‌ایم؛ درحالی‌که مفهوم نامتناهی را تصور نکرده‌ایم؛ از آنجاکه نعمت‌های الهی نیز پایانی ندارند، ذهن محدود ما را یارای درکی کامل از آن‌ها نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ۱۱/ ۱۴۲)

تجلی محبت الهی در ذکر «الحمد لله» و اعترافات ناشی از آن، آثار و نتایجی به همراه دارد که با توجه به حمد و ثنای خداوند، انسان به نوعی استغفار و توبه دست می‌یابد؛ چراکه انسان در فعل خدا هیچ عیبی نمی‌بیند، بلکه هرچه می‌بیند شایستگی و ستایش و تنزیه از نواقص و کمبودها است. چنانکه در دعای افتتاح آمده است: «وَ أَیَقُنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ؛ وَ یَقین پیدا کردم که تو در مقام عفو و رحمت، بخشنده‌ترین بخشنندگان هستی.» (قمی، ۱۳۸۶) و در مقابل انسان در خود نوعی نیازمندی و نواقص را ترسیم می‌کند؛ چراکه می‌بیند آنجایی که خداوند بزرگی خود را ابراز می‌کند، همه را حصر می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ۱۱/ ۱۴۲) حضرت زهرا (س) نمونه عالی انسانیت، با تمام ویژگی‌های عالی خود را در مقابل عظمت الهی موجودی نیازمند و فقیر می‌دید: «وَ إِنْ تَمَسَّسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُوْهُمْ وَ إِنْ تَمَسَّسْكُمْ فِتْنَةٌ...». (فاطر: ۵۳) این درک از کمال خداوند و نقص انسان، به زن و مرد مسلمان متذکر می‌شود که در خانواده هیچ‌کدام به تنهایی نمی‌توانند تمام نیازهای اعضای خانواده را برآورده کنند. به همین دلیل، نقش هر فرد به عنوان یک شریک حیاتی و مکمل دارای اهمیت و در روابط اعضای خانواده تاثیرگذار می‌باشد. حضرت زهرا (س) در ایفای نقش همسر و مادر نمونه بدون توجه به مقام والایی که داشتند، نه احساس تکبر و غرور داشتند و نه بی‌نیاز از همکاری و همدلی حضرت علی (ع) و فرزندان‌شان بودند و حرکت در این چارچوب، اعضای خانواده را که هریک طالب کمال الهی اند، در راستای ایفای هرچه بهتر نقش‌های خود یاری رسان است.

۵. واکاوی مؤلفه معنوی کنشی عبودیت در ذکر «سبحان الله»

انسان تا به چیزی معرفت و شناخت پیدا نکند، محبت پیدا نمی‌کند. معرفت و محبت مقدمه و باطن عبادت و اخلاق است که انسان با این دو سلاح اقدام به کوشش در جهت کسب رضایت الهی می‌کند. این تلاش مفهوم عبودیت است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۳۵۱) صبغه اصلی شخصیت فاطمه (س) «بندگی محض و مخلصانه خدا» بود. عبادت و عبودیت خالصانه وی به درگاه حق روح و جان را از غیر خدا می‌زداید و تنها نور الهی را در جوارح و جوانح آشکار می‌سازد: «أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ» (اسراء، ۲۳) این نوع عبادت نه تنها خضوع بلکه مقام مملوکیّت در بنده در برابر خداست. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ۱/ ۷۳۹)

زمانی که عبد، تنها خدا را غایت تمامی وجود خود بداند، می‌داند تنها خداوند یاریگر اوست و از طرفی با علم و عمل به اوامر و نواهی، تسلیم محض فرامین خداست؛ در نتیجه با عبد شدن دلش را نورانی کرده و به تدریج مظهر اسماء مهر و قهر الهی می‌گردد؛ این ثمرات عبادت خالصانه خداست؛ پس عبودیت محوری در بحث عبادات جایگاه ویژه‌ای دارد؛ (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، صص ۵۸۱-۵۸۲) در آیه «قُلْ مَا يَعْبُدُوا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ». (فرقان: ۷۷) که عبادت به دعا مبدل شده، حقیقت عبادت یعنی بنده، خود را در برابر ربّ در مقام ذلت وادارد و در تمام فضایل و ابعاد اخلاق بندگی، انسان را به رشد و شکوفایی رساند: «وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ». (انفال: ۴۶) عبودیت خالصانه فاطمه زهرا (س) در ابعاد مختلف زندگی ایشان بگونه‌ای بود که در مسیر خدمت به خلق خدا مسئولیت‌های سنگین خانواده و اجتماع را به‌عنوان یک وظیفه فردی و ابزاری برای رشد معنوی و تحقق رضایت الهی پذیرفته و با جان و دل انجام می‌داد و هیچ گونه احساس نارضایتی و خستگی از وی سر نمی‌زد. تمامی رفتارها و تعاملات ایشان با اعضای خانواده و افراد جامعه، تحت تأثیر دیدگاه عبادی و اخلاقی وی قرار داشت؛ به عبارتی وی در عرصه‌های مختلف زندگی چون نقش همسررداری، مادری و تعاملات اجتماعی به‌گونه‌ای عمل می‌کرد که هر اقدام ایشان به نوعی با خداوند مرتبط بوده و در مسیر تکامل معنوی پیش می‌رفت. این الگوی عبودیتی نه تنها برای زنان مسلمان الگوی کامل در زمینه رشد فردی و معنوی است، بلکه در سطح خانواده و اجتماع نیز تأثیرات عمیقی بر تربیت فرزندان و افراد جامعه دارد.

۵-۱. معنانشناسی سبحان الله

«سبحان» علم جنس و اسم مصدر و به معنای تسبیح است. معنای «سبحان الله» منزّه دانستن خدا از هر چیزی که سزاوار نیست به آن وصف شود، می‌باشد. (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۳۵۷) منصوب بودن «سبحان» به اعتبار قرار گرفتن در موضع فعل است، به معنای «تسبیحاً لله»؛ یعنی خدا را پاک و منزّه می‌دارم. همچنین برخی سبحان الله را منزّه دانستن خدا از لواحق مادی و نقایص تشبیهی دانسته که با زبان تجرد و کمال در مقام عبودیتی که به هیچ وجه در آن تصرفی نمی‌توان نمود. (سعیدی، ۱۳۹۲ ش، ۱/ ۳۷۰) اما معنای «سبحان الله» در این نوشتار عبارت است از: تنزیه و برتر دانستن خدا از آنچه که شأن مخلوقین است و حاکی از نوعی نقص و ناتوانی و نارسایی است؛ یعنی خدا را ستایش می‌کنم که همه نعمت‌ها و کمالات از اوست و به او برمی‌گردد. پس با ذکر «سبحان الله» می‌گوییم خدا منزّه است و دارای صفات کمال و تمام است. در ادامه به اعترافات عابدان حقیقی در قالب ذکر سبحان الله می‌پردازیم.

۵-۲. اعتراف عابدان در ذکر سبحان الله

فاطمه (س) در افضل‌ترین عبادت یعنی دعا «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»، (غافر: ۶۰) اعترافات و در خواست هایی دارد که نشان از عبودیت محض او در برابر خداست؛ زیرا می‌داند خداوند با قدرت بی‌منتها و اراده و اختیار خویش جهان را اداره می‌کند: «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا...». (انعام: ۷۹)

۵-۲-۱. اعتراف عابدان در عبادت

سیر انسان به کمال حقیقی سیری اختیاری و آگاهانه است که باایمان به خدا و تسلیم در برابر او آغاز شده و کمال حقیقی انسان، در سایه حقیقت عبادتی چون دعا حاصل می‌شود؛ بنابراین دعا بهترین وسیله قرب الهی در قالب ثنا و حمد و تنزیه پروردگار عالم است؛ دعا علاوه بر حاجت خواستن، حمد و ثنا پروردگار جهان نیز می‌باشد؛ چرا که بوسیله این دعاها هم معرفت رب حقیقی حاصل می‌شود. همانطور که در دعای عرفه امام حسین (ع) می‌خوانیم: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُؤَحِّدِينَ...» و هم حقیقت عبودیت: «أَنَا يَا إِلَهِيَ الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَأَغْفِرْهَا لِي أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ...». (قمی، ۱۳۸۶) انسان در پرتو دعا با اعتراف به فقر ذاتی خود، در جهت اظهار نیاز و تعلق ذاتی خود به خداوند گام برمی‌دارد؛ بنابراین همه فعالیت‌های دعاکننده باید رنگ بندگی و عبودیت داشته باشد؛ زیرا عبادت خداوند موجب کمال حقیقی است. حضرت زهرا (س) به عنوان الگوی کامل زن مسلمان در بندگی و عبودیت، با نیایش‌های خالصانه و ارتباط مداوم با خداوند، نه تنها خود به درجات بالایی از کمال رسیدند، بلکه میراث‌گرانبهایی از دعا و نیایش برای پیروان خود به یادگار گذاشتند. اعتراف انسان به فقر و نقص خود در دعا، احساس خود برتری‌بینی را که موجب اختلال در روابط عاطفی، کاهش اعتماد و ایجاد تنش در میان اعضای خانواده می‌شود را از میان برمی‌دارد.

به‌علاوه دعا نیاز فطری هر انسانی است، چراکه انسان به دلیل انسان بودنش به ویژه در جنبه روحی و معنوی دچار نقصان و در برخورد با مشکلات دچار نوعی اضطراب، سردرگمی، ناامیدی ... می‌باشد. به همین دلیل همواره در یک وابستگی به مبدأ برتر و توکل بر آن به آرامش، امیدواری و اعتماد در برخورد با مشکلات دست می‌یابد و از آنجاکه مبدأ قدرت و فیض مطلق خداوند است، آرامش حقیقی و اعتماد به نفس در سایه وصل به او محقق می‌گردد. نیاز فطری به دعا و نیایش، به ویژه در محیط خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. خانواده‌ای که بر پایه دعا و توکل به خداوند بنا شده باشد، در مواجهه با مشکلات و چالش‌ها، از استحکام و پایداری بیشتری برخوردار خواهد بود. حضرت زهرا (س) به عنوان محور اصلی خانواده‌ای نمونه، با دعا و نیایش، علاوه بر ایجاد فضایی سرشار از معنویت و آرامش در خانه، فرزندان پیوند خورده با آموزه‌های الهی و اخلاق نیکو پرورش دادند. ایشان نه تنها خود اهل دعا بودند، بلکه این فرهنگ را در خانواده خود نیز نهادینه کردند و آموختند که چگونه می‌توان با دعا و نیایش، خانواده‌ای سعادتمند و خدا محور داشت و بر تمام مشکلات

فاتق آمد. خداوند که بسیاری از آیات را به شکل دعا بیان نموده تا راهنمایی کننده انسان در نوع درخواست‌ها و سؤالاتش از خداوند باشد، اهمیت دعا را روشن می‌سازد؛ زیرا قرآن سخن آشکار حق برای هدایت خلق، کلام مبین الهی، میزان و ترازوی سخن‌ها و عمل‌هاست. از این‌رو باید روشن شود که چگونه به امر دعا نگریسته است. انسان زمانی که لذت و حلاوت ارتباط با خدا را چشید و عظمت و کرامت آن را درک کرد، لذات مادی و زودگذر دنیوی در نظرش رنگ‌باخته و کشش در ارتباطات معنوی و لع سیری ناپذیری را برای دلباخته حقیقی به دنبال دارد.

۵-۲-۲. اعتراف عابدان در اخلاق بندگی

انسان بایستی سختی‌های زندگی را وسیله‌ای برای رشد و کمال بداند. ارتباط وی با قدرت نامحدود الهی علاوه بر امنیت و آرامش، روز به روز بر قدرتمندی انسان می‌افزاید. انبیاء الهی، به عنوان پیشگامان مسیر سعادت، در مواجهه با قدرت‌های ظاهری زمان خود، غالباً از پشتیبانی‌های مادی و امکانات مرسوم بی‌بهره بودند؛ با این وجود، با تکیه بر ایمان و اتصال به منبع الهی، نه تنها در برابر این چالش‌ها تسلیم نشدند، بلکه به پیروزی‌های چشمگیری دست یافتند. شخصیت والای فاطمه (س) به عنوان الگویی جامع و بی‌نظیر برای زنان و خانواده‌ها، نمود برجسته‌ای از این ارتباط نظام‌مند با منبع الهی را به نمایش می‌گذارد. ایشان در مواجهه با مصائب و آزمون‌های دشوار زندگی، از جمله مشکلات اقتصادی و معیشتی، کار سنگین منزل با امکانات محدود، نگرانی برای آینده اسلام، مسئولیت تربیت فرزندان، ضعف جسمانی ناشی از کار زیاد و تغذیه نامناسب، فقدان پیامبر (ص) و شرایط دشوار سیاسی و اجتماعی پس از رحلت ایشان، با اتکا به ایمان عمیق و پیوند استوار با خداوند، سطحی از فضیلت‌های اخلاقی همچون صبر و استقامت را به منصه ظهور رساند که به عنوان سرمشقی جاودان برای بشریت به یادگار مانده است. همچنین در مواجهه با مشکلات نیز فاطمه (س) با اتخاذ رویکردی مبتنی بر توکل، دعا و تلاش مستمر، الگویی عملی برای مدیریت بحران‌ها و تبدیل تهدیدها به فرصت‌های رشد و تعالی ارائه می‌دهند. ایشان با تربیت فرزندانی چون حسنین (ع) که هر یک نمونه‌ای از ایمان و پایداری در تاریخ اسلام هستند، نشان داد که چگونه اتصال به منبع الهی می‌تواند نه تنها فرد، بلکه بنیان خانواده و جامعه را نیز تحت تأثیر قرار دهد و به انسجام و تعالی آن کمک کند. این امر، بیانگر تأثیر مستقیم ایمان و معنویت بر ساختار و کارکرد خانواده به عنوان یک نهاد بنیادین اجتماعی است. برای مؤمن هرچه پیش آید خیر است؛ زیرا مؤمن همواره خودش را از زیر چتر رحمانیت و رحیمیت خداوند می‌بیند و به مدد ایمان به خدا و عقیده توحیدی از آن‌ها در جهت رشد و کمال بهره می‌گیرد و در مصاف با مشکلات از خداوند متعال با دعا و نیایش یاری می‌جوید. این رویکرد، در سیره عملی حضرت فاطمه (س) نیز به وضوح قابل مشاهده است. ایشان در کنار تلاش‌های خستگی ناپذیر در انجام وظایف و مسئولیت‌های خود، همواره به دعا و نیایش با خداوند متعال می‌پرداختند و از او مدد می‌جستند. این خود راه کمال معنوی او را هموارتر می‌ساخت: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ...» (غافر: ۶۰)

۶. نتیجه‌گیری

در بیان نتایج این پژوهش می‌توان گفت:

۱. پیامبر (ص) به شخصیت معنوی و الگوی نمادین بودن دختر گرانقدرشان نسبت به مؤمنان به‌ویژه زنان مؤمن آگاه بود، از این رو هدیه ای در قالب اذکار به وی بخشید که به «تسبیحات حضرت زهرا (س)» مشهور شد.
۲. مؤلفه‌های معنویت اسلامی که در رأس آن خداوند است، در اذکار این تسبیحات متجلی است. این تجلی مطابق با روایاتی که خواندن تسبیحات را بعد از نمازهای واجب مورد توجه قرار داده‌اند، قابل بررسی و تطبیق سازی است.

۳. هنگامی که انسان در نماز و ارتباط با معبودش به اوج سیر و سلوک عرفانی دست می‌یابد و در حال و هوای خوش بندگی است، این اذکار در پایان نماز تکرار همان سیر لذت بخش برای انسان است تا از بودن با پروردگار و اعترافات خود در نزد او لذت کافی را برده باشد.

۴. اعترافات بنده که از سیر صعودی به نزولی است، بنده خالص را در جهت ارضای عبودیت و پذیرش ربوبیت یاری می‌رساند؛ به‌طوری که در آغاز با بینش خداپاورانه و با توجه به معنای «الله اکبر»، تنها ذات خداوند را مستجمع جمیع کمالات دانسته و خود را عاجز از درک و شناخت این ذات می‌داند.

۵. سپس با محبت الهی در دل و با گفتن «الحمد لله» نسبت به شکر، عدم جبران و تصور نعم الهی اظهار عجز می‌نماید.

۶. در آخر با پذیرش محض عبودیت خود، با توجه به معنای «سبحان الله» به فقر ذاتی و تکیه بر قدرت نامحدود الهی، در مشکلات اعتراف می‌نماید.

۷. راز جهانی بودن شخصیت فاطمه (س) به‌عنوان زن موفق و داشتن خانواده‌ای متعالی در عمق معنویت و ویژگی‌های روحانی ایشان نهفته است.

سپاسگزاری

با سپاسی فراوان، از نهاد فاخر جامعة المصطفی العالمیة و اساتید گرامی جناب آقای دکترسید محمود کاویانی و سرکار خانم دکتر ماهروزاده که رهنمودهای ارزشمندشان، چراغ روشن راه در مسیر تعالی علمی و معنوی‌ام بوده است.

فهرست منابع

- * قران کریم (۱۳۹۲)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، انتشارات شریعت.
۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
 ۲. ابن فارس، احمد به فارس (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة، محقق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
 ۳. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۹۸ م)، جمهرة اللغة، بیروت، دارالعلم للملایین.
 ۴. الانصاری، عبدالرحمن بن محمد (دبّاغ) (۱۳۷۹)، عشق اصطربلاب اسرار خداست (مشارق الانوار القلوب و مفاتيح اسرار الغیوب)، تحقیق چرسوور هریتز، تهران، طهوری.
 ۵. الهامی‌نیا، علی اصغر و همکاران (۱۳۹۰)، معنویت اسلامی: چیستی و چرایی و چگونگی، قم، زمزم هدایت.
 ۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، ادب فنای مقربان، قم، اسراء.
 ۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹)، تفسیر تسنیم، قم، اسراء.
 ۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، تفسیر موضوعی قران مجید، قم، اسراء.
 ۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، مراحل اخلاق در قران، قم، اسراء.
 ۱۰. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۷۵)، نصوص الحكم برفصوص الحكم، تهران، رجاء.
 ۱۱. حسینی دشتی، مصطفی (۱۳۸۵)، معارف و معاریف، قم، موسسه فرهنگی آرایه.
 ۱۲. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۰)، کلام نوین اسلامی، قم، تعلیم و تربیت اسلامی.
 ۱۳. خویی، ابوالقاسم (۱۴۳۰ ق)، البیان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه احیاء آثار خویی.

۱۴. سعیدی، گل بابا (۱۳۹۲)، فرهنگ جامع اصطلاحات عرفانی، با تکیه بر آثار ابن عربی، تهران، انتشارات زوار.
۱۵. شفیعی، محمد (۱۳۸۸)، سیمای نماز در مثنوی معنوی با استناد به آیات و روایات، فصلنامه تخصص ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۳، صص ۱۲۳-۱۲۵.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ ق)، العین، قم، انتشارات هجرت.
۱۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۲۸ ق)، المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۹. قمی، عباس (۱۳۸۶)، مفاتیح الجنان، دعای ماه رجب، تهران، نشر محمد.
۲۰. کبری، نجم الدین (۱۳۶۸)، فوائج الجمال و فوائج الجلال، تهران، انتشارات مروی.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة دار الإحياء التراث العربی.
۲۳. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۶)، معارف قرآن، قم، مؤسسه در راه حق.
۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۷)، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶)، تفسیر نمونه، تنظیم و تحقیق احمد علی بابایی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. میرزا خانی، مهدی (۱۳۹۱)، ارزش و جایگاه معنویت در قرآن و روایات اسلامی و دلالت های برنامه درسی بر مبنای آن (پایان نامه ارشد رشته برنامه ریزی درسی)، دانشگاه علامه طباطبایی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.